

کم‌رنگ کردن تفاوتِ زیبا

به‌ویژه در ایالات متحده، اما همچنین در جهان انگلیسی‌زبان، بحث بر سر اینکه آیا زنان مجازند رهبری کنند و تعلیم دهند، دوباره با تمام قوت جریان دارد. همچون موج‌هایی که هر دهه یک بار در جهان مسیحیت، و در اینجا به‌ویژه در جهان محافظه‌کار مسیحیان انجیلی، به راه می‌افتند. با این حال، استدلال‌های به‌اصطلاح مکمل‌گرایان (پایپر، گرودم، کلر، کارسون، مک‌آرتور، برک، دی‌یانگ، دیور، ماتیاس لومان (Piper, Grudem, Keller, Carson, McArthur, Burk, De Young, Dever, Matthias Lohmann) – و در آلمان شمار نه‌چندان کمی از کلیساهای آزاد و نهادها و ناشرانی چون E21، EBTC، KFG، کلیساهای برادران از هر گرایشی، انتشارات 3L و غیره)، که گمان می‌کنند می‌توانند با دلایل کتاب مقدسی زنان را از تعلیم و رهبری کنار بگذارند، همگی بررسی و رد شده‌اند. این مقاله به متنی می‌پردازد که بار دیگر می‌کوشد این نظریه را که نقش زن به‌طور سلسله‌مراتبی فرودست است، مستدل کند. رویکردی اندکی تازه‌تر است، اما به همان اندازه به خطا می‌رود، چنان‌که این نقدِ ایان پال (Ian Paul) و اندرو بارتلت (Andrew Bartlett) نشان می‌دهد.

این ترجمه‌ای کاری با کمک DeepL.com است، نه برگردانی آماده چاپ. تنها هدف برگردانی معنادار است، تا بتوان استدلال‌ها و استدلال‌های مخالف را دنبال کرد. در واقع (برای خودم) چند اندیشه تازه یافت‌م که بار دیگر مرا در این تأیید می‌کنند که این دیدگاه را به کلی کنار گذاشته‌ام.

Hans-Jörg Ronsdorf, 28 ژوئن 2022، آگسبورگ

من با اندرو بارتلت QC، نویسندهٔ *Men and Women in Christ*، همکاری کرده‌ام: **Men and Women in Christ: Beautiful** (IVP, 2019)، تا نقدی کتاب مقدسی بر «*Beautiful*» **Difference: The Complementarity of Male and Female** [تفاوت زیبا: مکمل بودن مرد و زن] اثر اندرو ویلسون (Andrew Wilson)، سخنران و الهی‌دان در Newfrontiers، ارائه کنیم. مشخصات کامل نویسندگان و حامیان این نقد را در پایان متن می‌یابید.

دفاع ویلسون از مکمل‌گرایی

مکمل‌گرایی¹ در بحران است.

در سال 1991 اثر مهم مکمل‌گرایانهٔ *Recovering Biblical Manhood and Womanhood* به ویراستاری جان پایپر (John Piper) و وین گرودم (Wayne Grudem) منتشر شد. اما در سال 2020 کتاب «*Recovering From Biblical Manhood and Womanhood*» منتشر شد. عنوان کتاب از پیش محتوایش را آشکار می‌کند. نویسنده، ایملی برد (Aimee Byrd)، الهی‌دانی است که از درون یک فرقهٔ اصلاح‌شده در ایالات متحده می‌نویسد که در کلیساهایش رهبران زن را نمی‌پذیرد.

کتاب برد را دنی برک (Denny Burk)، یکی از مکمل‌گرایان برجستهٔ آمریکای شمالی، نقد کرد. او بی‌پرده اعتراف می‌کند که نسلی هست که «می‌خواهد از مکمل‌گرایی بیرون برود». هشدار می‌دهد: «نسلی هست که در پی راه خروجی است، و برد آن را عرضه می‌کند.» مخاطبان او «آمادهٔ پریدن‌اند و تنها در پی بهانه‌ای کم‌وبیش هوشمندانه برای این کارند»².

ترن ویلیامز (Terran Williams) کشیش کلیسای بزرگ در آفریقای جنوبی است که به مکمل‌گرایی پایبند است. از او خواسته شد که دفاعی بهتر از موضع آنان فراهم کند و بنویسد. وقتی این دیدگاه را به‌دقت بررسی کرد، دریافت که نمی‌تواند با کتاب مقدس از آن دفاع کند.³

بسیاری به راستی مکمل‌گرایی را ترک می‌کنند. زنان آزادی کامل خود را در مسیح می‌یابند. مردان زنان را با چشمانی تازه می‌بینند، همچون هم‌زمان راستین خود.

اما **اندرو ویلسون** به میدان آمده است تا جلوی این ریزش را بگیرد. او کشیشی معلم و یکی از مشایخ کلیسای در جنوب شرقی لندن است که به خانواده‌های کلیساهای Newfrontiers تعلق دارد. ما او را برادری نیک‌دل و نیک‌خواه در مسیح می‌دانیم و محترم می‌شمарیم. او به‌حق نویسنده‌ای هوشمند و اندیشمند شناخته می‌شود.⁴ **او شاید برجسته‌ترین الهی‌دان اروپایی مکمل‌گرایی باشد.**

ویلسون به‌حق برخی جنبه‌های این رویکرد را نقد می‌کند. او می‌پذیرد که این رویکرد خواهران ما را خوار کرده است، آمریکای پس از جنگ را در عهد جدید خوانده است، از دیدگاه‌های غیرراست‌گیشانه دربارهٔ تثلیث دفاع کرده است و کسانی را که نظر دیگری داشتند، به‌ناحق لیبرال‌های الهیاتی شمرده و کنار گذاشته است. با این همه، او می‌خواهد بر همان خط بماند و استدلال می‌کند که تنها مردان باید در خانواده و در کلیساهای رهبری کنند.

او آگاه است که بسیاری از مسیحیان که ایمانشان را از کتاب مقدس می‌گیرند، با استدلال‌های متعارف به سود مکمل‌گرایی قانع نمی‌شوند. **از این رو کوشیده است کار را بهتر انجام دهد. او می‌خواهد مکمل‌گرایی را از نو «مکمل بودن» بنامد. و می‌خواهد آن را بر پایهٔ کتاب مقدسی گسترده‌تری بنهد.** او این کار را در مقاله‌ای بانفوذ انجام داده است: «Beautiful Difference: Beautiful Difference: The Complementarity of Male and Female» (مکمل بودن مرد و زن).⁵ هرچند او به رهبری مردانه در خانواده نیز می‌پردازد، اما استدلالش عمدتاً در دفاع از رهبری صرفاً مردانه در کلیساست (مشایخ مرد).

این مقاله گویا و زیبا نوشته شده است - و به‌راستی حقایق مهمی در آن هست که با آن‌ها موافقیم.⁶ **اما آیا به‌راستی استدلال‌های کتاب مقدسی محکمی برای محدود کردن رهبری کلیسا به مردان فراهم می‌کند؟ ما چنین گمان نمی‌کنیم.** برخلاف هدفی که دارد، تعلیم ویلسون در واقع به تفاوت زیبایی میان مردان و زنان آسیب می‌زند. از مکمل بودن کامل (تکمیل متقابل) کم می‌آورد. در حالی که مردان را محدود نمی‌کند، زنان را به شیوه‌ای محدود می‌کند که خدا نمی‌خواهد. لطفاً ادامه را بخوانید تا دریابید این دیدگاه کجا نادرست است.⁷

استدلال ویلسون

با خلاصه‌ای از استدلال ویلسون آغاز می‌کنیم. او از رویکرد پرکاربرد استناد به متن‌های منفرد فاصله می‌گیرد. در عوض می‌کوشد رویکردی مبتنی بر کل کتاب مقدس را دنبال کند. نکات اصلی او این‌هاست:

1. مکمل بودن در آفرینش خدا نهاده شده است، از جمله در مردان و زنان.
2. مردان و زنان آفریده شده‌اند تا متفاوت باشند. ویژگی‌های هر یک همان چیزی است که باید از پیدایش 4-1 انتظار داشته باشیم، جایی که به مرد (که در عبری به واژه «زمین» شبیه است) وظیفهٔ پاسداری از باغ در برابر حمله‌ها داده شد، و زن، حوا (که به واژه «حیات» شبیه است)، مادر همهٔ زندگان نامیده شد.

3. مکمل بودن مرد و زن در ازدواج، در خانواده و در محل کار نمود می‌یابد. بنا بر اول تیموتائوس 2:1-5 باید با زنان سالمند به طور مشخص همچون مادران، با مردان سالمند به طور مشخص همچون پدران، با زنان جوان‌تر همچون خواهران و غیره رفتار کنیم، نه همچون واحدهایی بی‌جنسیت یا کارگرانی بی‌جنس و پراکنده.

4. نکته محوری این است که تنها مردان باید از مشایخ کلیسا باشند، زیرا (الف) وظیفه مشایخ این است که همچون شبانان گله از کلیسا پاسداری و حفاظت کنند، و (ب) در هر مرحله از تاریخ کتاب مقدس این مردانند که مأمور پاسداری و حفاظت از قوم خدا هستند:

در پشتیبانی از (الف) او به اعمال رسولان 23:14-22؛ 20:17-38؛ تیتوس 1:5-9؛ اول پطرس 1:5-4 ارجاع می‌دهد. در پشتیبانی از (ب) به هفت موضوع ارجاع می‌دهد که شش نمونه و یک بخش تعلیمی را در بر می‌گیرند. نمونه‌ها این‌هاست: آدم، پدران قوم (پاتریارخ‌ها)، کاهنان لاوی، پادشاهی اسرائیل، دوازده رسول و ویژگی‌های اورشلیم جدید، که کتاب مقدس با آن پایان می‌یابد. تعلیم، فهرست پولس از شرایط مشایخ کلیساست.

5. هرچند زنان در تاریخ کتاب مقدس نقشی بزرگ ایفا می‌کنند، اما به‌عنوان زن به شیوه‌ای خدمت می‌کنند که خدمت مردان را تکمیل می‌کند. آنان به‌عنوان زن می‌توانند همه گونه کاری انجام دهند که مردان نمی‌توانند یا انجام نمی‌دهند.

6. کلیسا را باید خانواده دانست. پس انکار اینکه زنان می‌توانند از مشایخ باشند، درست مانند انکار این است که زنان می‌توانند پدر و مردان می‌توانند مادر باشند.

ما کوشش ویلسون را برای دنبال کردن رویکردی مبتنی بر کل کتاب مقدس می‌ستاییم. اما استدلال او آشکارا معیوب است: در مورد تاریخ کتاب مقدس نادرست است، با الهیات کتاب مقدسی در تضاد است و در تفسیر کتاب مقدسی‌اش سست است. هر یک از این نکات را به ترتیب بررسی خواهیم کرد.

تاریخ کتاب مقدس

به گفته ویلسون، در هر مرحله از تاریخ کتاب مقدس این مردانند که مأمور پاسداری و حفاظت از قوم خدا هستند. منظور او این است که تنها مردان، و نه زنان، از سوی خدا فراخوانده شده‌اند تا از قوم خدا پاسداری و حفاظت کنند.

اما این به‌سادگی درست نیست. نمونه‌های نقیض برجسته ادعای او را رد می‌کنند:

- هنگام خروج اسرائیل از مصر، جز موسی چه کسانی از سوی خدا تعیین می‌شوند تا قوم را به سلامت از بیابان عبور دهند؟ برادر و خواهر موسی - هارون و مریم. نگاه کنید به خروج 15:20-21؛ اعداد 12:1-2؛ میکاه 6:4.
- در دوران «داوران»، خدا دبوره را برمی‌گمارد تا قوم اسرائیل را رهبری کند و رهایی بخشد؛ او با فیصله دادن به نزاع‌ها، نبوت کردن و راهبری قوم در نبرد چنین می‌کند (داوران 16:2-19؛ 4-5).
- در زمان یوشیای پادشاه، خدا خلده را به‌عنوان نبیه فرامی‌خواند تا پادشاه و قوم را رهبری کند و بیداری‌ای پدید آورد (دوم پادشاهان 22:11 - 23:3).⁸

- در عهد جدید، پریسکیلا کلیسای نوپای افسس را از تعلیمی ناکافی حفظ می‌کند (اعمال رسولان 18:18-28). شیوه‌ای که لوقا داستان را روایت می‌کند، نشان می‌دهد که او این را تدبیری الهی می‌داند.⁹ او همچنین جان خود را به خطر انداخت تا زندگی پولس را نجات دهد (رومیان 16:4).¹⁰
- یونیا، که با پولس زندانی بود، از سوی خدا به رسالت فراخوانده شد (رومیان 16:7). رسالت او از همان گونه‌ای بود که رسالت اپولس و برنابا، بشارت‌دهندگان سیار و بنیان‌گذاران کلیساها.¹¹ 11 تعلیم یک رسول به پاسداری و حفاظت از کلیسا یاری می‌رساند.

حتی برخی از نمونه‌هایی که خود ویلسون برگزیده است، نشان نمی‌دهند که خدا منحصرآ مردان را برای حفاظت از قوم خدا فراخوانده است.

نخست: آدم. ویلسون می‌گوید که او در باغ گذاشته شد «تا خدمت کند و از آن پاسداری کند» (پیدایش 2:15). فرض را بر این می‌گذاریم که ترجمه او «خدمت کردن و پاسداری کردن» درست است، هرچند تفسیری اقلیتی از متن عبری است.¹² با این حال:

1. پیدایش 2 نمی‌گوید که پاسداری از باغ تنها وظیفه آدم بود. برعکس، زن می‌بایست یاور او یا «همدمی موافق او» در این وظیفه باشد (پیدایش 2:18؛ مقایسه کنید با 1:28).

2. در کاربرد کتاب مقدسی، به نظر می‌رسد واژه «پاور» (ēzer)، که برای زن به کار رفته است، معنای ضمنی «محافظ» یا «رهاننده» دارد. در هر کاربرد دیگر این واژه، بافت نشان می‌دهد که کمک‌رسانی از نوع حفاظت یا رهایی است، و اغلب کمک خدا به اسرائیل.¹³

3. پاسداری از باغ پاسداری از قوم خدا نیست.¹⁴

دوم، پدران قوم (پاتریارخ‌ها). ویلسون هیچ متنی از کتاب مقدس نمی‌آورد که در آن خدا به همه پدران قوم وظیفه حفاظت از قوم خدا را بدهد. اگر منظورش تکیه بر این واقعیت است که برخی از آنان در عمل گاه چنین می‌کردند، ما نیز می‌توانیم نمونه‌هایی از زنانی بیاوریم که از قوم خدا حفاظت می‌کنند:

ابیجایل شوهرش و مردان خانه‌اش را از مرگی خشونت‌بار حفظ می‌کند (اول سموئیل 25).

راحاب از جاسوسان مرد حفاظت می‌کند (یوشع 2).

زنی بی‌نام مردم تاباص را از سوخته شدن نجات می‌دهد (داوران 9:50-57). او نمونه‌ای به‌ویژه جالب است. او کاری نیرومندانه انجام می‌دهد (سنگ آسیایی را برمی‌دارد) در اقدامی جنگی برای دفاع (پادشاه محاصره‌کننده، ایملک، را زخمی مرگبار می‌زند) به‌عنوان بخشی از نقشه خدا برای شکست دادن شرارت (آیه 56). اما چون کشته شدن به دست یک زن برای ایملک از نظر اجتماعی پذیرفتنی نیست، به سلاح‌دارش دستور می‌دهد شمشیرش را بکشد و او را بکشد. این نشان می‌دهد که چگونه گماشتن زنی از سوی خدا برای حفاظت یا رهبری، برای تحقق مقاصد او، با هنجارهای اجتماعی پدرسالار فرهنگ در تضاد است.

زن حکیم آبیل بیت‌معکه مردان و زنان شهرش را از سپاهی مهاجم حفظ می‌کند (دوم سموئیل 20).

استر یهودیان را از کشتار نجات می‌دهد (استر 2:19 - 9:19).

زن نیرومند امثال 31:10-31 از خانواده و خانه خود، و نیز از فقیران و نیازمندان، حفاظت می‌کند. او همچون آرمانی توصیف می‌شود، اما این دلالت دارد که ویژگی‌های توصیف‌شده در زنان واقعی یافت می‌شوند، هرچند نه همه آن‌ها در یک شخص.¹⁵

سوم: اورشلیم جدید. ویلسون می‌نویسد:

کتاب مقدس با این پایان می‌یابد که شهری زنانه - که تمامی قوم خدا، هر جنسیتی که داشته باشیم، به آن تعلق دارد - به دست نجات‌دهنده‌ای مرد نجات می‌یابد و سرانجام با او ازدواج می‌کند، در حالی که دیوارهای شهر و بنیادهایش به نام رسولان مرد و پدران مرد قوم نام‌گذاری شده‌اند.

روشن نیست چرا ویلسون اورشلیم جدید را گواهی بر نظریه خود می‌داند. رؤیای یوحنا درباره پدران قوم یا رسولان مردی نیست که از قوم خدا حفاظت کنند:

- در مکاشفه 21:12 دروازه‌ها (نه دیوارها) با نام‌های دوازده سبط پسران اسرائیل نگاشته شده‌اند. دروازه‌ها راه ورودند. این نام‌ها نشان می‌دهند چه کسی اجازه ورود دارد، یعنی تمامی قوم خدا (نگاه کنید به حزقیال 35-48:30؛ مکاشفه 7:4، 9). دروازه‌ها برای حفاظت نیستند: هرگز بسته نمی‌شوند (21:25).

- در مکاشفه 21:14 دیوار شهر دوازده بنیاد دارد که بر آن‌ها «دوازده نام دوازده رسول بزه» نوشته شده است. عنوان «رسولان بزه» به بنیان‌گذاری کلیسا از راه پیام رسولی درباره عیسی اشاره دارد، او که «ما را از گناهان ما به خون خود شست» (مکاشفه 1:5). سخن در اینجا از حفاظت نیست.¹⁶

خدا به زنان فرمان داد که همراه با مردان فرمان برانند (پیدایش 1:28) و، چنان‌که به نظر می‌رسد، همراه با مردان حفاظت کنند (پیدایش 2:18). پس حتی پس از پیامد منفی نافرمانی انسان در پیدایش 3 («او بر تو حکمرانی خواهد کرد» - 3:16)، می‌توانستیم انتظار داشته باشیم که در تاریخ کتاب مقدس شواهدی از این رفتار فرمان‌روایانه و حفاظت‌گرانه بیابیم. و درست همین را نیز می‌یابیم. نگاه کنید به نمونه‌های بالا، از مریم تا زن نیرومند امثال 31.

الهیات کتاب مقدسی

برای فهم درست کتاب مقدس، باید تصور عهد جدید از دو عصر متضاد را پیش چشم داشت.

عصر شریر کنونی هست، که عیسی ما را از آن نجات داده است، و عصر آینده هست، که عیسی آن را آغاز کرده است. عصر آینده در رستاخیز آینده و در بازسازی همه چیز در آفرینش تازه به تمامی تحقق خواهد یافت. در این میان ما در هم‌پوشانی دو عصر زندگی می‌کنیم، در «اکنون، اما هنوز نه». این رشته اندیشه در جاهای بسیاری از کتب مقدس آشکار است.¹⁷

تحقق عصر آینده بازگشت به عدن نیست، بلکه آینده‌ای تازه و دیگرگون است که نمادش یک شهر است و نه یک باغ (مکاشفه 21:1-22:5). از این رو انسان‌ها در رستاخیز، برخلاف پیدایش 2:24، نه نکاح می‌کنند و نه نکاح کرده می‌شوند (متی 22:30). تولیدمثل لازم نخواهد بود. آفرینش تازه از گروهی عظیم پر خواهد شد که هیچ‌کس نتواند آنان را بشمارد، از هر قبیله، امت، قوم و زبان (مکاشفه 7:9؛ 19:6-7).

البته ویلسون همه این‌ها را می‌داند. او در همان آغاز مقاله‌اش درباره آفرینش تازه می‌نویسد:

شگفت‌آور نیست که برداشته شدن تمایز میان آسمان و زمین با برداشته شدن تمایز میان مرد و زن پیوند دارد.

اما وقتی استدلالش را پیش می‌برد، چارچوب کتاب مقدسی فراموش می‌شود. او چنان استدلال می‌کند که گویی میان آفرینش نخست و آفرینش تازه، یا میان عهد کهنه و عهد تازه، هیچ تفاوت اساسی وجود ندارد. او به حق می‌گوید: «مسیحیان فراخوانده شده‌اند تا مکمل بودن مرد و زن را در این عصر نمایان سازند»، اما از توجه به این غافل می‌ماند که این دعوت چگونه با فراخوان صریح برای نمایان ساختن زندگی تازه عصر آینده در همین زندگی کنونی، تعدیل و مشروط می‌شود.

کوتاهی او در اندیشیدن به شیوه‌ای که به بافت عهد جدید وفادار باشد، در سخنانش درباره کاهنان لاوی به روشنی پیداست:

کاهنان لاوی، که حفاظت از قدس و بدین‌سان از تمامی قوم اسرائیل به آنان سپرده شده است، همگی مردند، و آن هم مردان خشونت - روزشان را با کشتن حیوانات می‌گذرانند، و نخست از آن رو برای خدمت کهنات تقدیس می‌شوند که برای یهوه چنان غیرتی داشتند که هم‌وطنان اسرائیلی خود را کشتند (خروج 29:25-32).

این برای پشتیبانی از مشایخ مرد برای کلیساها گفته می‌شود! اما این با زندگی عهد تازه فرسنگ‌ها فاصله دارد. ما از نجات‌دهنده‌ای پیروی می‌کنیم که به ما می‌آموزد سلاح‌هایمان را زمین بگذاریم، دشمنانمان را دوست بداریم، برای آزاردهندگانمان دعا کنیم، گونه دیگر را پیش آوریم، تلافی نکنیم، بر بدی با نیکی چیره شویم، مخالفان را با ملایمت اصلاح کنیم و گناهکاران را از گمراهی بازگردانیم.¹⁸ در عهد جدید هیچ ایمان‌داری فراخوانده نمی‌شود که به‌عنوان ایمان‌دار بر دیگران خشونت به کار ببرد.¹⁹ سلاح‌های جنگ ما روحانی‌اند، نه سلاح‌های جهان (دوم قرنتیان 10:3-5). «خدمت کهناتی» پولس در کشتن نیست، بلکه در اعلام خبر خوش حیات از سوی خداست (رومان 15:16). همه پیروان عیسی، چه مردان و چه زنان، فراخوانده شده‌اند که خود را با سلاح‌های روحانی برای جنگ روحانی، که با جسم و خون نیست، مسلح سازند (افسیسیان 18:6-10).²⁰

اگر در بافت الهیات کتاب مقدسی نگریسته شود، معنای کهنات لاوی در تضاد مستقیم با نتیجه‌گیری ویلسون است. کهنات عهد کهنه پیش‌نمایی از خدمت عیسی مسیح، کاهن اعظم بزرگ ما، بود، که در او همه ایمان‌داران، مردان و زنان، کاهن می‌شوند (عبرانیان 2-10؛ اول پطرس 2:9؛ مکاشفه 1:6؛ 5:10). اگر کهنات لاوی درسی برای رهبری و حفاظت از قوم خدا شمرده شود، آن درس این است که در عهد تازه هم مردان و هم زنان به این وظایف فراخوانده شده‌اند.²¹

استدلال ویلسون با آفرینش نخست در اینجا به سادگی بی‌ربط است. برای فهم خدمت مسیحی لازم نیست بحث کنیم که مردان تا چه اندازه متفاوت از زنان «سیم‌کشی» شده‌اند. بی‌گمان مردان معمولاً نیروی عضلانی بیشتری از زنان دارند.²² اما ویژگی‌های بدنی چون نیروی عضلانی شرط صلاحیت برای رهبری کلیسا نیستند. یکی از مشایخ بودن به ویژگی‌های منشی روحانی و عطایایی نیاز دارد تا حیات تازه در مسیح را پرورش دهد، تغذیه کند و حفاظت کند.

همین چارچوب فکری است (عهد کهنه/عهد تازه، عصر کنونی/عصر آینده، آفرینش نخست/آفرینش تازه) که به پولس آزادی می‌دهد تا با پیدایش 1:27 («نر و ماده») در غلاطیان 3:28 («نه نر و ماده») مستقیماً مخالفت کند. او در نامه‌اش تضاد میان آفرینش نخست را که نافرمانی به آن آسیب زد، و آفرینش تازه را که به دست عیسی مسیح آغاز شده است، پیش چشم دارد (غلاطیان 1:4؛ 6:15). در آفرینش تازه در مسیح، مرد و زن دیگر همان اهمیت پیشین را ندارند. همان‌گونه که برداشته شدن تمایز میان یهودیان و غیریهودیان در

مسیح (هرچند از نظر جسمانی همچنان برقرار بود) پیامدهایی برای رفتار در خانواده تازه خدا داشت (نگاه کنید به غلاطیان 2:11-21؛ 6:15-16)، برداشته شدن تمایز میان مرد و زن در مسیح (هرچند از نظر جسمانی همچنان برقرار بود) نیز پیامدهایی برای رفتار داشت: زنان همکاری کامل در انجیل شدند.

در مسیح دورانی تازه آغاز شده است. این دوران در خدمت عیسی نمایان شد و با غلبه بر مرگ بر صلیب و رستاخیز عیسی به حیاتی تازه، که در آن دیگر هرگز نخواهد مرد، به طور قطعی آغاز گردید. این حیات تازه از راه عطای روح القدس با کسانی که از او پیروی می‌کنند، سهیم می‌شود. از این رو پطرس در روز پنتیکاست نبوت یوئیل را درباره عصر آینده نقل می‌کند (اعمال رسولان 2:17-18، NIV):

[اعمال رسولان 2:18] «و در ایام آخر، خدا می‌گوید، از روح خود بر همه بشر خواهم ریخت، و پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد، و جوانان شما رؤیاها خواهند دید، و پیران شما خواب‌ها خواهند دید. و حتی بر غلامان و کنیزان خود در آن روزها از روح خود خواهم ریخت، و نبوت خواهند کرد.

در حیات تازه روح، تمایزهای اجتماعی کهن کنار گذاشته می‌شوند. روح به همه داده شده است. چنان‌که عیسی گفت: «در انبیا مکتوب است که همه از خدا تعلیم خواهند یافت» (یوحنا 6:45، به استناد اشعیا 54:13؛ نیز نگاه کنید به ارمیا 31:31-34).

عطای روحانی - از جمله برای رهبری و تعلیم - با فرا رسیدن عصر پادشاهی خدا به وسیله روح پیوند دارند و از این رو بی‌تمایز جنسیت داده می‌شوند:

- در اعمال رسولان 2 زنان باید نبوت کنند (آیات 17-18)، و روشن است که زنان به‌راستی از گروه 120 نفری بودند که روح را دریافت کردند. نبوت کردن شکلی از رهبری است.
- در رومیان 8:12-3، نبوت، تعلیم و رهبری از عطایایی‌اند که به «هر کس» داده می‌شوند.
- در اول قرنتیان 12، کلام حکمت (آیه 8)، رسولان، انبیا و معلمان (آیه 28) از عطایایی‌اند که به «هر کس» (آیه 7) داده می‌شوند.²³ در اینجا بسیار چشمگیر است که روح «به هر کس چنان‌که می‌خواهد تقسیم می‌کند»، بی‌آنکه به تمایزی میان دو جنس اشاره شود.
- در افسسیان 4:11 هیچ اشاره‌ای به تمایزی جنسیتی میان رسولان، انبیا، مبشران، شبانان و معلمان نیست (همچنین به انبیای زن در اول قرنتیان 11، پریسکیلا معلم در اعمال رسولان 18 و همکاران زن پولس در رومیان 16 توجه کنید).
- در کولسیان 3:16 کسانی که با نصیحت و تعلیم از کلیسا حفاظت می‌کنند، می‌توانند مرد یا زن باشند.
- در اول پطرس 4:10-11 «هر کس» اجازه دارد «کلام خدا را بگوید».

اگر کتاب مقدس را بی‌عینک مکمل‌گرایانه بخوانیم، این تعالیم درس جایگزین شدن کهنات لاوی با کهنات همه ایمان‌داران در مسیح را تأیید می‌کنند. **اگر پطرس و پولس بر این نظرند که رهبری کلیسا تنها از آن مردان است، پس چرا تعالیمشان درباره عطایای رهبری هم مردان و هم زنان را خطاب می‌کند، بی‌آنکه این محدودیت را روشن کنند؟ تعالیم درباره عطایای روحانی نشان می‌دهند که در عهد تازه، در مورد رهبری کلیسا، هیچ تفاوتی میان مردان و زنان نیست.**

اینکه عیسی دوازده رسول را به‌عنوان رسولان بنیان‌گذار جنبش تازه‌اش برگزید نیز با این در تضاد نیست. آری، همه آنان یهودی، آزاد و مرد بودند. **اما او آنان را در دورانی گذار، پیش از افتتاح عهد تازه، منصوب کرد.** آنان، با الهام از دوازده پدر قوم، نماد بازسازی قوم خدا به‌عنوان پیروان عیسی بودند.

بی‌گمان پس از پنتیکااست، در عصر روح، رهبران بعدی کلیسا می‌توانستند غیریهودی یا برده باشند. یهودی و آزاد بودن آن دوازده دلیلی بر ضد چنین رهبرانی نیست. به همین‌سان، مرد بودن دوازده رسول دلیلی بر ضد این نیست که رهبران بعدی بتوانند زن باشند.

تفسیر کتاب مقدسی

اکنون به این نظریه و یلسون می‌پردازیم که وظیفه مشایخ این است که همچون شبانان گله از کلیسا پاسداری و حفاظت کنند، و نیز به فهرست پولس از شرایط مشایخ کلیسا. و یلسون بر این نظر است که هر دو، گماشتن مشایخ را تنها برای مردان مقرر می‌کنند.

ما موافقیم که بنا بر عهد جدید یکی از وظایف مشایخ این است که همچون شبانان گله از کلیسا پاسداری و حفاظت کنند. **اما نه استعاره «شبانان» و نه ماهیت وظیفه آنان نشان نمی‌دهد که مشایخ باید مرد باشند.**

در کتاب مقدس شبانان تنها مرد نیستند، بلکه زن نیز هستند (پیدایش 29:9؛ خروج 17:2-16)، چنان‌که این استعاره هیچ شرط جنسیتی را در بر ندارد.

اما درباره ماهیت وظیفه، موافقیم که مردان بیشتری از زنان برای نبرد جسمانی مناسب‌اند. اگر گرگ‌های جسمانی به گله‌ای جسمانی حمله کنند، شبانان مرد شاید از شبانان زن مناسب‌تر باشند. اما این هیچ ربطی به وظیفه مشایخ کلیسا ندارد، که به ویژگی‌های منشی روحانی و عطایایی نیاز دارد که میان مردان و زنان مشترک‌اند.

این وقتی بسیار روشن می‌شود که به شرایطی بنگریم که پولس برای مشایخ کلیسا برمی‌شمارد.²⁴

پولس در اول تیموتائوس نگرانی خود را درباره برخی رهبران فاقد صلاحیت ابراز می‌کند (1:7) که تعلیم نادرست می‌دهند (1:3) و جنسیتشان را مشخص نمی‌کند (1:3، یونانی *tisin*، از *tis* - کسی، کسی). پولس بی‌درنگ پس از یاد کردن از زنان در اول تیموتائوس 2:15 به شرایط رهبران می‌پردازد و با مقدمه‌ای بی‌طرف از نظر جنسیت آغاز می‌کند: «اگر کسی (*tis*) منصب ناظر بودن را بخواهد ...» (3:1).

جز یک استثنای ظاهری، همه رفتارها و معیارهایی که پولس سپس برمی‌شمارد، می‌توانند بر زنان نیز صدق کنند. پولس، چه از روی غریزه و چه آگاهانه، بر این پیام تأکید می‌کند که زنان می‌توانند شرایط لازم برای منصب مشایخ را داشته باشند. او این کار را با به کار بردن همان واژه‌ها و اندیشه‌های یونانی یا واژه‌ها و اندیشه‌های مشابه انجام می‌دهد، آنگاه که در جای دیگری از اول تیموتائوس و تیتوس درباره زنان می‌نویسد. فهرست اول تیموتائوس را مرور می‌کنیم:

- منصب مشایخ کاری نیکوست (3:1)؛ پولس از زنان انتظار دارد که کار نیکو انجام دهند (5:10).
- مشایخ باید بی‌ملامت باشند (3:2)؛ پولس از زنان انتظار دارد که بی‌ملامت باشند (5:7).
- مشایخ باید معتدل باشند (3:2)؛ پولس از زنان انتظار دارد که معتدل باشند (3:11).
- مشایخ باید خویشتن‌دار باشند (3:2)؛ پولس از زنان انتظار دارد که خویشتن‌دار باشند (2:9، 15).
- مشایخ باید آراسته و موقر باشند (3:2)؛ پولس از زنان انتظار دارد که آراسته و موقر باشند (2:9).
- مشایخ باید مهمان‌نواز باشند (3:2)؛ پولس از زنان انتظار دارد که مهمان‌نواز باشند (5:10).

- مشایخ باید توانایی تعلیم داشته باشند (3:2)؛ پولس از زنان انتظار دارد که معلمان نیکویی باشند (تیتوس 2:3).
- مشایخ نباید میگسار باشند (3:3)؛ پولس از زنان انتظار دارد که میگسار نباشند (تیتوس 2:3).
- مشایخ نباید زرپرست باشند (3:3)؛ پولس از زنان انتظار دارد که خود را با طلا، مروارید و جامه‌های گران‌بها نیارایند (2:9).
- مشایخ باید خانه خود را نیکو اداره کنند (3:4)؛ پولس از زنان انتظار دارد که خانه خود را اداره کنند (با واژه‌ای که ترکیبی از اصطلاح نیرومند *despoteō* است) (5:14).
- مشایخ باید فرزندان‌شان را با وقار در اختیار داشته باشند (3:4)؛ پولس از زنان انتظار دارد که وقار نشان دهند (3:11).
- مشایخ نباید نوایمان باشند، مبدا از غرور به محکومیت دچار شوند (3:6)؛ پولس از زنان انتظار دارد که فروتن باشند و به محکومیت دچار نشوند (5:10، 12).
- مشایخ باید نزد بیرونیان نیک‌نام باشند (3:7)؛ پولس از زنان انتظار دارد که نزد دیگران نیک‌نام باشند (5:7، 10).

پولس چند ویژگی دیگر را نیز نام می‌برد: ملایم، نه خشونت‌گر (مقایسه کنید با 1:13!) و نه ستیزه‌جو (3:3). بی‌گمان این ویژگی‌ها در زنان نیز یافت می‌شوند. پس پولس دست‌کم شانزده ویژگی یا رفتار برشمرده است که یقیناً هم در مردان و هم در زنان یافت می‌شوند. به نظر می‌رسد او فرض را بر این می‌گذارد که زنان می‌توانند این شرایط را داشته باشند.

ملاحظات پولس همچنین با سخنان دیگری که دربارهٔ مراقبت از قوم خدا می‌گوید و تصویرهای زنانه را نیز در بر می‌گیرد، هماهنگ است. او خدمت خود و خدمت سیلوائس و تیموتائوس را در میان تسالونیکیان، ملایم همچون یک کودک، همچون مادری شیرده با فرزندان خودش توصیف می‌کند (اول تسالونیکیان 2:7). او در خدمتش به غلاطیان، در یکی از شگفت‌انگیزترین استعاره‌های عهد جدید، خود را همچون زنی آبستن می‌بیند که کودکی به دنیا می‌آورد (غلاطیان 4:19).

همه این‌ها از تصور ویلسون بسیار دور است که شرایط مشایخ وظیفه حفاظتی خاص مردانه را پیش‌بینی می‌کنند و منحصرآ مردان را خطاب می‌کنند. متن‌ها همواره نشان می‌دهند که این با اندیشه پولس سازگار نیست.

تنها استثنای ظاهری در فهرست شرایط این است که یکی از مشایخ باید *mias gunaikos andra* باشد - به‌طور تحت‌اللفظی: «مرد یک زن» (3:2). این اصطلاح به پایبندی به معیار مسیحی اخلاق جنسی اشاره دارد - نه بی‌بندوبار و نه چندهمسر. به سبب بافت و شیوه کارکرد زبان یونانی، این اصطلاح را در اینجا باید به معنای عام فهمید، یعنی هم بر مردان و هم بر زنان صدق می‌کند. (وقتی نویسنده‌ای یونانی بخواهد هم به مردان و هم به زنان اشاره کند، معمول است که اسم متناظر مذکر را به کار ببرد.)²⁵

عبارت‌بندی بی‌طرف از نظر جنسیت در شرایطی که پولس برای مشایخ برمی‌شمارد، شاید خوانندگانی را که با ترجمه‌های انگلیسی اول تیموتائوس 3 آشنا هستند شگفت‌زده کند؛ ترجمه‌هایی که به‌طور سنتی ضمائر و صفت‌های مذکر فراوانی را به کار می‌برند که در یونانی پولس وجود ندارند. اما پژوهشگران مکمل‌گرای برجسته و بسیار صاحب‌صلاحیتی چون داگلاس مو (Douglas Moo) و تام شراینر (Tom Schreiner)

هم‌داستان‌اند که عبارت‌بندی فهرست شرایط زنان را کنار نمی‌گذارد.²⁶ حتی جان پایپر و وین گرودم نیز ظاهراً این را می‌پذیرند.²⁷

هرچند ما فهرست پولس را معمولاً «شرایط» می‌نامیم، تقریباً همه پژوهشگران و مراجع کلیسایی آن را به‌درستی بیشتر راهنما می‌فهمند تا مقررات. این یک آیین‌نامه کلیسایی با تعریفی حقوقی از شرایط منصب مشایخ نیست؛ اندرزی است در نامه‌ای به همکاری نزدیک. ما هیچ گروه کلیسایی بزرگی را نمی‌شناسیم که از مشایخ بخواهد متأهل باشند (خوانش تحت‌اللفظی آیه 2) یا دست‌کم دو فرزند داشته باشند (آیه 4). اگر این همچون مقررات در نظر گرفته شده بود، خود پولس و حتی رئیس شبانان، خداوند عیسی، نمی‌توانستند از مشایخ کلیسا باشند.

حال دلایل ویلسون برای اینکه فهرست را چنان تفسیر کند که منصب مشایخ به مردان محدود باشد، چیست؟ او هفت نکته می‌آورد.

نخست می‌گوید که درباره مشایخ «فرض بر این است که مردند». اگر منظورش این است که پولس فرض می‌کند بسیاری از مشایخ مرد خواهند بود، با او موافقیم. اما اگر منظورش این است که پولس فرض می‌کند مشایخ تنها مرد خواهند بود، گمان می‌کنیم که در اشتباه است. **در این فهرست چنین فرضی وجود ندارد، زیرا هیچ دلیل محکمی نیست که mias gunaikos andra را چنان بخوانیم که تنها به مردان اشاره کند.** اما حتی اگر نکته نخست ویلسون درست باشد، موضع او بدین‌سان تأیید نمی‌شود، زیرا یک پیش‌فرض در میان پیش‌فرض‌های بسیار، یک شرط نیست.

دوم می‌گوید که یکی از مشایخ باید «شوهر یک زن» باشد. این اشاره‌ای به اصطلاح mias gunaikos andra است. ویلسون توضیح نمی‌دهد که چرا در این بافت فهمیدن عام این اصطلاح را نامناسب می‌داند. **موضع ویلسون با این برخورد دارد که پولس (1) فهرستش را بی‌طرف از نظر جنسیت آغاز می‌کند، (2) هفده ویژگی یا رفتار را برمی‌شمارد که (بنا بر برداشت پولس) شانزده تای آن یقیناً در زنان یافت می‌شود، و (3) هفدهمی را به شیوه‌ای بیان می‌کند که می‌توان آن را بی‌طرف از نظر جنسیت خواند (به سبب ساختار زبان یونانی)، اما با این حال (4) قصد دارد هفدهمی را همچون شرطی تجویزی بفهمد که مشایخ باید مرد باشند. این باورپذیر نیست.**

این همچنین با این برداشت در تضاد است که فهرست بیشتر راهنماست تا مقررات. دیدگاه ویلسون دلالت دارد که کسانی که به جان استات (John Stott) اجازه دادند به‌عنوان کشیش به کلیسا خدمت کند، از کلام خدا نافرمانی کردند، زیرا استات مجرد بود.

سوم، ویلسون می‌گوید:

کلیسا خانواده‌ای است که هم پدران و هم مادران دارد و به‌شدت به آنان نیاز دارد (برای نمونه 1:5-2)، و این نشانه‌ای قوی است بر اینکه پولس ناظران را پدران می‌بیند.

اما منطق این استدلال دشوارفهم است. اگر کلیسا خانواده‌ای است که هم به پدران و هم به مادران نیاز دارد، این بدان معنا خواهد بود که هم مردان و هم زنان باید از مشایخ باشند.

چهارم، او بر این نظر است که شرط نیکو اداره کردن خانه و مطیع نگه داشتن فرزندان (3:4) «نشانه‌ای قوی» است بر اینکه پولس مشایخ را مرد می‌داند. اما از آنجا که زنان خانه‌ها را اداره می‌کنند و فرزندان را تربیت می‌کنند،²⁸ پایه باور ویلسون آشکار نیست.

پنجم، او با شرط توانایی تعلیم (3:2) استدلال می‌کند:

پولس همین را به‌تازگی برای زنان منع کرده است (2:12؛ این واقعیت که بحث‌های فراوانی بر سر اینکه دقیقاً منظورش چه بود وجود دارد، نباید ما را از دیدن پیوند آشکار بازدارد).

اما بحث‌های فراوان پرسش‌هایی جدی پیش می‌کشند که نمی‌توان به این آسانی کنارشان گذاشت. پژوهشگران غیرمکمل‌گرا 2:12 را چنین می‌فهمند که تعلیم نادرست از سوی برخی زنان را منع می‌کند. در ترجمه‌ها و تفسیرهای مکمل‌گرایانه از اول تیموتائوس 2:12 دشواری‌های واقعی وجود دارد، از جمله:

از آنجا که نامۀ پولس هدفش مبارزه با تعلیم نادرست است (از 3:1 به بعد)، چرا 2:12 را منع تعلیم درست از سوی زنان می‌خوانند و نه منع تعلیم نادرست از سوی زنان؟

اگر پولس می‌خواهد قاعده‌ای کلی وضع کند، پس چرا می‌گوید *ouk epitrepō* - «اجازه نمی‌دهم»؟ در هیچ جای کتاب مقدس نمونه‌ای نیست که این عبارت برای وضع یک قاعده کلی به کار رفته باشد.

اگر پولس در 2:12 به کاربرد اقتدار شبانی مشروع در کلیسا می‌پردازد، پس چرا فعل *authentēō* را به جای یکی از واژه‌های معمول برای اعمال اقتدار به کار می‌برد؟

مکمل‌گرایان *authentēō* را «اقتدار داشتن» یا «اقتدار اعمال کردن» ترجمه می‌کنند، اما حتی یک نمونه روشن از این معنا را پیش از روزگار پولس، در روزگار پولس یا تا حدود 300 سال پس از آن نمی‌توانند بیاورند.²⁹

اما استدلال ویلسون درباره تعلیم دادن حتی با خوانشی مکمل‌گرایانه نیز به خطا می‌رود، زیرا پولس در 5:17 روشن می‌کند که همه مشایخ تعلیم نمی‌دهند.³⁰

ششم، او به 3:11 ارجاع می‌دهد، جایی که در میانه شرایط شمّاسان، که در 3:8 آغاز می‌شود و در 3:12 ادامه می‌یابد، صریحاً از زنان یاد شده است. ویلسون بر پایه 3:11 «تقریباً ناممکن» می‌داند که پولس زنان را به عنوان مشایخ در نظر داشته باشد. اما با این سخن گزافه‌گویی می‌کند. مفسران درباره مقصود 3:11 مطمئن نیستند. ترجمه‌های انگلیسی هم‌داستان نیستند که آیا پولس در 3:11 از «زنان»، از «همسران شمّاسان» یا از «شمّاسان زن» سخن می‌گوید. مفسران پنج تفسیر گوناگون پیشنهاد کرده‌اند.

خوانشی ساده این است که پولس در 2:15 از زنان سخن می‌گوید و سپس فهرست شرایط مشایخ را با مقدمه‌ای بی‌طرف از نظر جنسیت آغاز می‌کند (3:1)، چنان‌که برای خوانندگان از پیش روشن است که فهرست نخست هم برای مردان و هم برای زنان است. اما فهرست شمّاسان مستقیماً با اصطلاح مذکر «*diakounos*» آغاز می‌شود، چنان‌که او هنگام املا کردن متوجه می‌شود که باید نشانه‌ای بدهد تا معلوم شود آیا تنها مردان را در نظر دارد یا زنان را نیز. این نشانه را در 3:11 می‌دهد: او هم از شمّاسان زن و هم از شمّاسان مرد سخن می‌گوید. اندرو بارتلت این خوانش ساده را ترجیح می‌دهد. ترن ویلیامز تفسیرهای دیگری را ترجیح می‌دهد که آن‌ها نیز با دیدگاه ویلسون سازگار نیستند.³¹

افزون بر این، پیش‌تر دیدیم که ویلسون زبان عام فهرست شرایط مشایخ را، با ویژگی‌ها و رفتارهایی که برای زنان نیز مناسب‌اند، در نظر نگرفته است. از این رو داوری ویلسون درباره معنای 3:11 وزن چندانی ندارد. و اگر پولس به‌راستی می‌خواهد برای همه کلیساها این قاعده را وضع کند که تنها مردان مجازند از

مشایخ باشند، پس چرا در هیچ جا آن را این چنین روشن و بی ابهام نمی گوید؟ چرا این را به خوانندگانش وامی گذارد که از بخشی درباره شماسان نتیجه گیری هایی نامطمئن درباره مشایخ بکنند؟

هفتم: ویلسون یادآوری می کند:

حتی مفسران برابری گرا اغلب موافقند که این شرایط «ناظر را همچون شوهر و پدر نشان می دهند» (تاوئر (Towner))، و اینکه «پولس ناظر را همواره مرد می نامد» (رایت (Wright)). دست کم در این متن، منصب مشایخ بی طرف از نظر جنسیت نیست.

اما این گفته حاصل پژوهشی خوب نیست.

نقل قول فیلیپ تاوئر (Philip Towner) از تفسیر تاوئر بر نامه های تیموتائوس و تیتوس است. این نقل قول بخشی از بحث او درباره معنای *mias gunaikos andra* است. ویلسون (Wilson) آنچه را تاوئر می نویسد درست بازگو نکرده است. تاوئر نمی نویسد که این شرایط، ناظر را شوهر و پدر معرفی می کنند. آنچه او واقعاً می نویسد این است که «پیش فرض های خانوادگی این فهرست ... ناظر را شوهر و پدر معرفی می کنند» (تأکید از ماست). با این کار دوباره به استدلال پیش فرض بازمی گردیم؛ استدلالی که هم با ویلسون و هم با تاوئر در آن هم نظر نیستیم، اما در هر حال به جایی نمی رسد، زیرا پیش فرض، شرط لازم نیست.

به نظر ما، شیوه ای که ویلسون اهمیت تفسیر تام رایت (Tom Wright) را عرضه می کند، حتی گمراه کننده تر است. این نقل قول از کتاب تأملی رایت درباره نامه های شبانی در مجموعه «پولس برای همه» (Paul for Everyone) است. ویلسون تفسیر رایت را چنان عرضه می کند که گویی از این دیدگاه پشتیبانی می کند که «مقام مشایخ از نظر جنسیت خنثی نیست»، بلکه فقط به مردان اختصاص دارد. این درست خلاف دیدگاه رایت است. رایت چنین می گوید:

پولس اسقف را همه جا مرد می نامد. وقتی بقیه عهد جدید را می خوانم، فکر می کنم این بیشتر به این دلیل است که دستور زبان یونانی معمولاً به هر دو جنس با هم اشاره می کند، و اینکه در روزگار نخستین کلیسا رهبران بیشتر جماعت ها احتمالاً مرد بودند. من این را به این معنا نمی بینم که زنان را از این خدمت و این دعوت خاص کنار می گذارد.

رایت برابری گرا، به سبب فهم کارشناسانه اش از یونانی قرن اول، درست مانند مو (Douglas Moo) و شراینر (Thomas Schreiner) که مکمل گرا هستند، در فهرست شرایط پولس هیچ کنار گذاشتنی برای زنان نمی بیند.

پس با هفت دلیل ویلسون برای اینکه فهرست پولس را چنان تفسیر کنیم که زنان را از مقام مشایخ کنار بگذارد، به کجا می رسیم؟ هیچ یک از آن ها محکم نیست. در این نکته مو، شراینر و رایت حق دارند و ویلسون در اشتباه است.

مکمل بودن راستین

اکنون تز اصلی ویلسون را بررسی کرده ایم: در هر مرحله از داستان کتاب مقدس، این مردان هستند که وظیفه دارند از قوم خدا پاسداری و محافظت کنند. دریافته ایم که این تز از نظر داستان کتاب مقدس

نادرست است، با الاهیات کتاب مقدسی در تضاد است و در تفسیر کتاب مقدسی اش منسجم نیست. مقاله ویلسون در فراهم کردن پایه ای کتاب مقدسی برای مکمل گرایی ناکام می ماند.

واقعیت موضع ویلسون این است که تفاوت زیبای میان مردان و زنان را از بین می برد. این کار را می کند، چون مکمل بودن کامل و کتاب مقدسی مردان و زنان را که به صورت خدا آفریده شده اند، انکار می کند. در حالی که مردان را محدود نمی کند، زنان را به شیوه ای محدود می کند که خدا قصد نکرده است. راه سهم زنان را در رهبری کلیسا می بندد.

به این ترتیب کلیسا از عطایا و منابعی که خدا به او بخشیده است محروم می شود. وین گرودم (Wayne Grudem) که خود مکمل گراست، به درستی گفته است:

خدا به زنان بینش و حکمت بسیار داده است ... و ... همه رهبران کلیسا که از به کار گرفتن حکمت زنان کوتاهی می کنند، به راستی نابخردانه عمل می کنند.³²

اما در مقاله ویلسون چیزهای نادرست دیگری هم هست.

تأکید بیش از حد بر تفاوت جنسی

آن گونه که ویلسون داستان کتاب مقدس را می فهمد، زنان در آن فقط به عنوان زن خدمت می کنند، به شیوه ای که مکمل مردان است. او حدود 26 نمونه برمی شمارد و می گوید:

در هر یک از این موارد، زنان مورد نظر به طور خاص به عنوان زن به قوم خدا خدمت می کنند.

او توضیح می دهد:

نیروی این نمونه ها در این واقعیت است که زنان می توانند انواع کارهایی را انجام دهند که مردان نمی توانند یا انجام نمی دهند، و برعکس.

فهم این نکته در موردی مانند مریم، مادر عیسی، آسان است. فقط یک زن می تواند مادر باشد. اما بسیاری از نمونه های دیگر او را می توان با خیال راحت عجیب نامید. برای مثال:

- دبوره اسرائیل را رهبری می کند؛ اما یک مرد هم می تواند اسرائیل را رهبری کند، و بسیاری چنین کرده اند.
- حنا و مریم مزامیر و سرودهایی می سرایند که در کتاب مقدس آمده است، اما داود و آساف هم چنین کرده اند.
- خُله و دختران فیلیپس نبوت می کنند؛ اما بسیاری از مردان نیز چنین می کنند.
- خلوئی کلیسایی را رهبری می کند، اما مردان هم چنین می کنند.
- لیدیه کسب و کاری را اداره می کند؛ اما یک مرد هم می تواند کسب و کاری را اداره کند، و بسیاری چنین می کنند.
- افودیه و سینتیخی همکاران پولس در انجیل هستند؛ اما بسیاری از مردان نیز چنین اند - پولس همان واژه یونانی (sunergos) را برای توصیف تیموتائوس، اپلس، سلوانس (سیلاس) و تیتوس به کار می برد.
- یونیا رسول است، اما بسیاری از مردان نیز رسول اند.

رهبری اسرائیل، سرودن سرود، نبوت کردن، رهبری کلیسا، اداره کردن کسب و کار، همکاری در انجیل و کار کردن به عنوان رسول، وظایفی وابسته به جنسیت مانند وظایف پدر یا مادر نیستند.

ویلسون چنان شیفته این ایده خود است که همه فعالیت‌های انسانی را از نظر جنسی متمایز بداند، که اول تیموتائوس 2:1-5 را نادرست می‌خواند و نادرست به کار می‌برد.

پولس به تیموتائوس توصیه می‌کند: «مرد پیر را توبیخ مکن، بلکه او را مانند پدر دلگرم کن، و مردان جوان را مانند برادران، زنان پیر را مانند مادران و زنان جوان را مانند خواهران، با کمال پاکی.» (ESV) ویلسون می‌پذیرد که بافت این توصیه «رفتار با مردم در خانواده خدا» است. اما به نظر او این «در محل کار» نیز صدق می‌کند، و به ما توصیه می‌کند که با همکارانمان صریحاً مانند پدر، مادر، خواهر یا برادر رفتار کنیم، و نه مانند «موجوداتی از نظر جنسیت خنثی یا کارگرانی بی‌جنسیت و یکسان».

زنان حقوق‌دان یا دانشمند عجیب می‌یابند اگر یک حقوق‌دان یا دانشمند مسیحی در محل کار با آنان در درجه اول به عنوان مادر یا خواهر برخورد کند، و نه در درجه اول به عنوان همکاری که جنسیتش برای کارش (حداکثر) اهمیت اندکی دارد. به نظر می‌رسد ویلسون تذکر پیشین خود را که از پیدایش 1:27 استخراج می‌کند، فراموش کرده است:

مردان و زنان با هم صورت خدا را حمل می‌کنند، و هویت ما بسیار بنیادی‌تر با انسان بودنمان تعریف می‌شود تا با جنسیتمان. ما در درجه اول انسانیم و تنها در درجه دوم مرد یا زن ...

این تذکر تعادل درست را برقرار می‌کند. یک مدیر یا کارمند زن در درجه اول به عنوان مدیر یا کارمند خدمت می‌کند و در درجه دوم به عنوان زن. او به عنوان زن شاید آمیزه‌ای از ویژگی‌ها و بینش‌ها را با خود بیاورد که با ویژگی‌ها و بینش‌های یک مرد تفاوت دارد. این هرچند امتیازی از مکمل بودن است، اما ویژگی اصلی رهبری یا کار او نیست.³³

نتیجه‌گیری

در مکمل‌گرایی معلمان با استعداد بسیاری برای کتاب مقدس هستند که معمولاً با کلام خدا با دقت رفتار می‌کنند. اما هنگامی که درباره مردان و زنان می‌اندیشند، گویی مهی پدید می‌آید که خواندن و اندیشیدنشان را مختل می‌کند.³⁴

ویلسون در پایان می‌گوید که کلیسا را باید یک خانواده دانست. ما با او موافقیم، اما او به اشتباه فرض می‌کند که این توجیهی برای محدود کردن رهبری به مردان است:

انکار اینکه زنان [sic] می‌توانند از مشایخ باشند، به گوش مانند انکار این است که زنان می‌توانند مدیرعامل باشند، اما بیشتر مانند انکار این است که زنان می‌توانند پدر باشند و مردان می‌توانند مادر باشند.³⁵

با همه احترامی که برای برادرمان قائلیم، این سخن آشفته و غیرکتاب مقدسی است.

آشفته است، زیرا با هدف اصلی مکمل بودن در تضاد است. خود ویلسون می‌گوید:

در مسیحیت، مرد و زن با هم صورت خدا را حمل می‌کنند، و نه مرد و نه زن قادر نیستند آن را بدون دیگری به طور کامل بیان کنند.

مردان و زنان یکسان‌اند (انسان‌هایی که به صورت خدا آفریده شده‌اند) و نیز با یکدیگر تفاوت دارند (به صورت مرد و زن آفریده شده‌اند). از آن جهت که یکسان‌اند، هم مردان و هم زنان می‌توانند منش نیکو نشان دهند و ویژگی‌های رهبری روحانی داشته باشند. به همان اندازه که متفاوت‌اند، می‌توانند سهم‌های متفاوتی در رهبری داشته باشند. در حالی که خود عیسی صورت کامل خدا بود، رهبران کلیسا عیسی نیستند. در عمل، وقتی رهبران کلیسا هم مرد و هم زن باشند، آشکار شدن کامل صورت خدا از طریق آنان آسان‌تر می‌شود. تفاوت زیبا در رهبری مشترک نمایان می‌شود.³⁶

غیرکتاب مقدسی است، زیرا کتاب مقدس هیچ‌جا «پدران» را به عنوان استعاره برای مشایخ کلیساها یا به عنوان توصیفی از آنان به کار نمی‌برد. استعاره کتاب مقدسی کلیسا به عنوان خانواده، هیچ کشیش زمینی را پدر خانواده معرفی نمی‌کند، بلکه خدا را پدر و قوم خدا را فرزندان (یوحنا 1:12-13)، و عیسی را نخست‌زاده و ایمانداران را برادران و خواهران او (رومان 8:29؛ عبرانیان 6:5-1؛ 11:2-10). رهبران ما خواهران و برادران بزرگ‌تر ما در مسیح هستند. ایمانداران خانواده خدا هستند، نه خانواده مشایخ.

باید یک بار دیگر تأکید کنیم که این دیدگاه که هم زنان و هم مردان قادر به انجام خدمت و رهبری‌اند، به این معنا نیست که زنان و مردان کاملاً جایگزین‌پذیر و بی‌تفاوت از یکدیگرند. باور به اینکه هر دو می‌توانند رهبری کنند، لغزیدن به سوی ایدئولوژی‌های سکولار هویت جنسیتی نیست. از این نظر با بسیاری از آنچه ویلسون در بخش نخست مقاله‌اش درباره تفاوت‌ها در آفرینش می‌گوید موافقیم؛ اما گامی که در بخش دوم برمی‌دارد، یعنی قائل شدن به تمایزی مطلق در شایستگی برای مقام مشایخ، چنان‌که نشان داده‌ایم، نادرست است.

مکمل‌گرایی‌ای که تفاوت زیبا را تحریف می‌کند، همچنان به بسیاری از کلیساها و بسیاری از ایمانداران آسیب می‌زند و آنان را محدود می‌کند. این کتاب مقدسی نیست. لازم نیست. فاجعه است. بگذارید مه پراکنده شود. وقت آن رسیده که آن را پشت سر بگذاریم.

نویسندگان:

اندرو بارتلت (Andrew Bartlett QC)، نویسنده Men and Women in Christ: Fresh Light from the Biblical Texts (IVP, 2019).

دکتر ایان پال (Ian Paul)، نویسنده، الهی‌دان و وبلاگ‌نویس مستقل، کشیش همکار (Associate Minister) در کلیسای St. Nic's در ناتینگهام، بریتانیا، استاد مدعو در کالج St. Hild در شفیلد، بریتانیا، پیش‌تر رئیس امور آموزشی و مدرس عهد جدید در کالج St. John's در ناتینگهام، بریتانیا. این نقد مورد حمایت این افراد است:

کاتیا آدامز (Katia Adams)، کشیش ارشد کلیسای The Table Boston، ایالات متحده، نویسنده: Equal: What the Bible Says about Women, Men and Authority (David Cook, 2020).

سایمون بنهام (Simon Benham)، کشیش ارشد کلیسای Kerith، بریتانیا.

تران ویلیامز (Terran Williams)، نویسنده Wie Gott die Frauen sieht: Das Ende des Patriarchats (نگاه خدا به زنان: پایان پدرسالاری) (Spiritual Bakery, 2022)، کشیش کلیسای Signal در کیپ‌تاون، آفریقای جنوبی.

1. مکمل‌گرایی نظامی از تفسیر کتاب مقدس است که در دهه‌های 1970 و 1980 در ایالات متحده پدید آمد. این نظام مفهوم جامعه‌شناختی «نقش‌های» مردانه و زنانه را وارد تفسیر کتاب مقدس کرد تا از رهبری صرفاً مردانه در خانواده و کلیسا دفاع کند. تفاوت آن با بیشتر دیدگاه‌های تاریخی اصلاح‌شده این است که به‌طور یکسان خواهان رهبری صرفاً مردانه در جامعه گسترده‌تر نیست.
2. دنی برک، «ایستگاهی میان‌راهی به سوی برابری‌گرایی: نقدی بر Recovering from Biblical Manhood & Womanhood اثر ایمی برد»، 7 ژوئیه 2020. در دسترس در <https://equip.sbts.edu/article/way-station-egalitarianism-review-essay-aimee-byrds-recovering-biblical-manhood-womanhood>
3. او داستان خود را بازمی‌گوید و کتب مقدس را شرح می‌دهد در: تزن ویلیامز، How God Sees Women: The End of Patriarchy (Spiritual Bakery, 2022) (در دسترس در www.terranwilliams.com یا در Amazon).
4. نقدی مثبت بر رساله دکتری منتشرشده او را اینجا ببینید: <https://www.psephizo.com/biblical-studies/does-god-discipline-those-whom-god-loves> و گفت‌وگویی با او درباره کتاب عالی‌اش *God of All Things* را اینجا: <https://www.psephizo.com/reviews/what-can-the-material-world-teach-us-about-god>
5. منتشرشده در وبسایت او، Think Theology، در 20 نوامبر 2020: https://thinktheology.co.uk/blog/article/beautiful_difference_the_complementarity_of_male_and_female این مقاله با تغییرات جزئی در وبسایت Gospel Coalition در 20 مه 2021 دوباره منتشر شد: <https://www.thegospelcoalition.org/article/beautiful-complementarity-male-female>
6. برای نمونه، این نکته که مردان و زنان یکسان و جایگزین‌پذیر نیستند. نگاه کنید به نیمه نخست که در اینجا آمده است: <https://www.psephizo.com/gender-2/beautiful-difference-the-complementarity-of-male-and-female>
7. برای اینکه از چارچوب این مقاله فراتر نرویم، بحث ما بر رهبری کلیسا متمرکز است و نه بر خانواده. یادآوری می‌کنیم که بحث ویلسون درباره ازدواج و خانواده طولانی‌ترین بخش عهد جدید درباره ازدواج و روابط شخصی میان مرد و زن (اول قرن‌تین 7) را به کلی نادیده می‌گیرد؛ تنها جایی که پولس صریحاً درباره اقتدار و تصمیم‌گیری در ازدواج تعلیم می‌دهد. این بخش برای مکمل‌گرایان اندکی ناخوشایند است، زیرا نشان می‌دهد که مرد و زن اقتدار یکسان دارند و تصمیم‌ها باید با توافق متقابل گرفته شوند (آیات 4-5). برای شرحی مفصل نگاه کنید به Andrew Bartlett, *Men and Women in Christ: Fresh Light from the Biblical Texts* (IVP, 2019)، فصل 2.
8. درباره مریم، دبوره و خلد و پاسخ به کوشش‌های مکمل‌گرایانه برای کوچک جلوه دادن نقش رهبری آنان، بیشتر را در *Men and Women in Christ*, 91-94 (فصل 5، زیر عنوان «Women's leadership and authority in the Old Testament») می‌یابید.
9. بیشتر مفسران یادآوری می‌کنند که یونانی اعمال رسولان 18:19-21 غیرعادی و ناپیوسته است؛ خوانش طبیعی این است که پریسکیلا و اکیلا کلیسای آنجا را بنیان نهادند، اما لوقا اهتمام دارد پیوند نزدیک پولس را با آغاز آن ذکر کند. نگاه کنید به Ben Witherington *Acts of the Apostles* 1998, 557-8؛ Howard Marshall *Acts* (TNTC) 1980, 301.
10. درباره اصلاح اپولس، یکی از معلمان اصلی کلیسا، به دست پریسکیلا، نگاه کنید به *Men and Women in Christ*, 207, 227 (فصل 11، زیر عنوان «The nature of the disagreement» و زیر عنوان «3. Authoritative teaching as a special category?» (فصل 12، زیر عنوان «The historical context»)).
11. درباره رسالت یونیا نگاه کنید به *Men and Women in Christ*, 299-306 (فصل 14، زیر عنوان «Women's prominence in the young churches»). در سراسر تاریخ کلیسا، تا ظهور اخیر مکمل‌گرایی، یونیا رسولی بشارتی (مبشرون) شمرده می‌شد. جایگاه برجسته او احتمالاً توضیح می‌دهد که چرا همراه با پولس زندانی شد. ویلسون در مقاله‌اش به حق می‌پذیرد که یونیا رسول بود.
12. از 54 ترجمه انگلیسی در Bible Gateway (تا مه 2022)، تنها چهار ترجمه واژه عبری נָשָׂא را «پاسداری کردن» ترجمه می‌کنند. افزون بر این، چهار ترجمه «مراقبت کردن از» و یکی «نگاهبانی کردن» آورده‌اند. NIV و ESV اجماع عمومی را بازتاب می‌دهند «to work it and take care of it»؛ «to work it and keep it».
13. نگاه کنید به بافت کاربرد ezer در خروج 18:4؛ تثنیه 33:7، 26، 29؛ مزامیر 20:2؛ 33:20؛ 70:5؛ 89:19؛ 115:9؛ 121:1؛ 124:8؛ 146:5؛ هوشع 13:9؛ اشعیا 30:5؛ دانیال 11:34. (در برخی از این ارجاع‌ها سخن از این است که حفاظت مورد امید داده نمی‌شود.)
14. افزون بر این، ویلسون می‌گوید که آدم مسئول سقوط است و همه ما در آدم می‌میریم و نه در حوا. اما در پیدایش 3 خدا هم آدم و هم حوا را بازخواست می‌کند. برای اینکه پیدایش 2-3 را بد نفهمیم، باید توجه کنیم که نویسنده ماهرانه از دوپهلوی بودن «آدم» به عنوان یک فرد و «آدم» به معنای «بشریت» بهره می‌گیرد. برای نمونه، در پیدایش 22:3-24 در ظاهر تنها آدم بیرون رانده می‌شود، اما مقصود بشریت است. استدلال پولس در اول قرن‌تین 15:22 بر تصور «آدم» به عنوان نماینده بشریت استوار است.
15. شاید او همان گونه زنی است که مادر لموئیل پادشاه به عنوان همسر آینده پسرش در نظر دارد: نگاه کنید به امثال 31:1.
16. برای اطلاعات بیشتر درباره مکاشفه 14:21-12 نگاه کنید به Ian Paul, *Revelation* (Tyndale New Testament Commentaries), 349-350.

17. برای چند نمونه نگاه کنید به متی 19:28؛ مرقس 10:30؛ لوقا 20:34-35؛ دوم قرنتیان 5:17؛ افسسیان 1:21؛ تیتوس 2:12؛ عبرانیان 6:5. پژوهشی کوتاه اما جامع درباره این موضوع و اهمیت آن را در Ian Paul, Kingdom, Hope, and the End of the World; living in the now and not yet of eschatology (Grove Books, Cambridge, 2016) می‌یابید.
18. لوقا 22:49-51؛ متی 5:39؛ 44؛ اول پطرس 2:21-23؛ رومیان 12:17-21؛ دوم تیموتائوس 2:25؛ یعقوب 5:20.
19. لوقا 22:38 («کافی است») یا توبیخ است، یا گفته‌ای بر اینکه دو شمشیر کافی است تا اطمینان یابند سفرشان به باغ جنسیمی و ماندنشان در آنجا پیش از موعد قطع نشود. در رومیان 13:1-4 کارکرد حکومت توضیح داده می‌شود، نه کارکرد کلیسا.
20. خود ویلسون در 5 مه 2022 نوشت: «عیسی هرگز بر انسان‌ها خشونت به کار نبرد، نه برای دفاع از خود و نه برای حفاظت از بی‌گناهان. او به شاگردانش می‌آموزد که درست همین‌گونه زندگی کنند، در برابر شریر مقاومت نکنند و گونه دیگر را پیش آورند (متی 5؛ لوقا 6). هر بار که شاگردی در چارچوب انجیل می‌کوشد یا تهدید می‌کند که خشونت به کار ببرد، حتی اگر برای دفاع از بی‌گناهان باشد، مسیح او را توبیخ می‌کند (لوقا 9:22؛ یوحنا 19). رسولان رنج عیسی را پیوسته همچون نمونه‌ای نشان می‌دهند که ایمان‌داران باید از آن پیروی کنند (رومیان 12؛ فیلیپیان 2؛ اول پطرس 2). ... جنگ ما با دشمنان دنیوی یا با سلاح‌های دنیوی نیست (افسسیان 6). مسیحیان نه با کشتن، بلکه با مردن پیروز می‌شوند: به خون بزه، به کلام شهادت‌مان و به اینکه جان خود را تا به مرگ عزیز نشماریم (مکاشفه 12).»
https://thinktheology.co.uk/blog/article/how_should_christians_think_about_gun_control
21. همچنین باید توجه کنیم که پدید آمدن کهنات (مردانه) ویژه لایو خود نشانه شکست اسرائیل است، زیرا تنها پس از آن پدید می‌آید که قوم با گوساله زرین به بت‌پرستی کشانده شد (خروج 32)، که تنها لایوان در برابرش برخاستند (آیات 26-29). نخستین مقصود خدا برای قومش این بود که همگی «مملکتی از کاهنان» باشند (خروج 19:6)، رؤیایی که اکنون در مسیح و به وسیله او تحقق می‌یابد (مکاشفه 1:6).
22. اول پطرس 3:7 به این واقعیت اشاره دارد. پطرس می‌خواهد بگوید که مردان مسیحی باید با همسرانشان با ملاحظه رفتار کنند. این نمونه‌ای جالب از مکمل بودن جسمانی است، زیرا زنان از نظر استقامت، تحمل درد و تحمل سرما معمولاً از مردان قوی‌ترند.
23. در اول قرنتیان 14:26 کسانی که نیوتی یا تعلیمی می‌آورند، می‌توانند مرد یا زن باشند، چنان‌که در 11:2-14:33 می‌بینیم. واژه «تعلیم» در اینجا didachē است، که برای تعلیم پولس در اول قرنتیان 14:6 و برای تعلیم عیسی، رسولان، تیموتائوس و مشایخ نیز به کار رفته است (متی 7:28؛ اعمال رسولان 2:42؛ دوم تیموتائوس 4:2؛ تیتوس 1:9). درباره محدودیت سخن گفتن زنان در اول قرنتیان 14:34-35، شواهد قوی در دست‌نوشته‌ها هست که این دو آیه افزوده‌ای است که از پولس نیست. کسانی که آن‌ها را اصیل می‌دانند، هنوز باید (الف) توضیحی به‌راستی محتمل از شواهد ارائه کنند که با اصالت ادعای‌شان سازگار باشد، و (ب) خوانشی رضایت‌بخش از اینکه این آیات چگونه با بافت جور درمی‌آیند. نگاه کنید به Men and Women in Christ، فصل‌های 9 و 10.
24. دو فهرست هست، در اول تیموتائوس 3:1-7 و در تیتوس 1:5-9. بخش اول تیموتائوس اندکی مفصل‌تر بیان شده است. مرور ما بر این فهرست از Men and Women in Christ: 318-319 (فصل 15، زیر عنوان «Do Paul's requirements include or exclude women?» برگرفته شده است).
25. برای نمونه، در اعمال رسولان 17:34 داترس (یک زن) در میان andres (مردانی) است که پولس خطابشان می‌کند (17:22) و به پیام پولس پاسخ می‌دهند. بحثی مفصل در Men and Women in Christ: 319-323 (فصل 15، زیر عنوان «Do Paul's requirements include or exclude women?» کاربرد زبان عبری نیز مشابه است. فرمان «به زن همسایه‌ات طمع موز» (خروج 20:17) به زن اجازه نمی‌دهد به شوهر زن همسایه‌اش طمع ورزد.
26. Douglas Moo, 'The Interpretation of 1 Timothy 2:11-15: A Rejoinder'. (1981) TrinJ 2. 26
Tom Schreiner, 'Philip Payne on Familiar Ground: A Review of Philip B Payne, Man and Woman, One in Christ' (2010) JBMW 15 شماره 1: 33-46، 35.
27. Recovering Biblical Manhood and Womanhood: A Response to Evangelical Feminism. 56.
28. امثال 1:8؛ اعمال رسولان 16:40؛ اول قرنتیان 11:1؛ کولسیان 4:15؛ اول تیموتائوس 5:14؛ دوم تیموتائوس 1:5؛ 13:14-15.
29. برای اطلاعات بیشتر درباره اول تیموتائوس 2، نگاه کنید به Men and Women in Christ، فصل‌های 11-13 و پیوست‌های 3-6؛ و How God Sees Women، فصل 7.
30. از آنجا که فهرست شرایط بیشتر راهنماست تا مقررات، میان اول تیموتائوس 3:3 («توانا به تعلیم») و 5:17 (تنها برخی از مشایخ موعظه و تعلیم می‌کنند) تناقضی نیست. همچنین توجه کنید که به‌عکس، شخصی باعطا می‌تواند بی‌آنکه از مشایخ باشد تعلیم دهد (اول قرنتیان 14:26؛ کولسیان 3:16).
31. جزئیات بیشتر و پیشنهادها تفسیری را در Men and Women in Christ: 325-326 (فصل 15، زیر عنوان «Do Paul's requirements include or exclude women?» و How God Sees Women، پیوست 5، 339-341، می‌یابید.
32. Systematic Theology: An Introduction to Biblical Doctrine (1994)، 944.
33. در بررسی پیامدهای عملی تمایز جنسی در جامعه، مفید است به یاد داشته باشیم که بیشتر تفاوت‌های میان دو جنس کوچک‌تر از تفاوت‌های میان افراد است. سریع‌ترین دوندگان مرد از سریع‌ترین دوندگان زن سریع‌ترند، اما یک دونده زن دوی سرعت از یک الهی‌دان مرد سریع‌تر می‌دود.

34. برای چند نمونه دیگر از این پدیده، نگاه کنید به پاسخ کوتاه اندرو بارتلت به برخی نقدهای عجیب بر کتابش در 'Complementarianism and a listening problem'، منتشرشده در Word from the Bird در 11 مارس 2022، <https://michaelfbird.substack.com/p/complementarianism-and-a-listening?s=r>. (اما لطفاً در منظور ما بیش از حد معنا نخوانید. ما مواردی را هم دیده‌ایم که در آن‌ها تعهد ایدئولوژیک و جانبدارانه به برابری‌گرایی اثری مشابه داشته است).
35. از نظر تاریخی، الهی‌دانانی که بر این باور بودند که فقط مردان می‌توانند رهبری کنند، این محدودیت را به‌طور پیگیر بر کل جامعه اعمال کرده‌اند، نه به‌طور گزینشی فقط بر رهبری کلیسا. نگاه کنید به <https://www.psephizo.com/biblical-studies/the-historic-reading-of-1-tim-2>
36. باید در اینجا یادآوری کنیم که این به آن معنا نیست که زنان و مردان باید به تعداد برابر رهبر، معلم یا سخنران در کنفرانس‌ها باشند، بلکه فقط به این معناست که هیچ توجیه کتاب‌مقدس برای ممنوعیت مطلق زنان در جایگاه‌های رهبری وجود ندارد. بحثی درباره این موضوع را در <https://www.psephizo.com/gender-2/should-women-be-on-platforms> و مقاله‌های پس از آن خواهید یافت.